

۵۶ سال اسارت

تجزیه و تحلیل رخداد‌های دوران پهلوی

جلد نهم

از تبعید امام به پاریس تا بی‌اثر شدن تهدیدات شاه

تألیف:

علی محمد بشارتی

سرشناسه: بشارتی، علی محمد
عنوان و نام پدیدآور: ۵۷ سال اسارت: تجزیه و تحلیل رخدادهای دوران پهلوی (جلد نهم) / علی محمد بشارتی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری: (ج. ۹: ص. ۲۸۹ ص.)، ج.
فروست: تاریخ تحلیلی ایران بعد از اسلام.
شابک: (ج. ۹) 3 - 236 - 212 - 964 - 978 (دوره) 1 - 157 - 212 - 964 - 978 ISBN:
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: ج. ۱: ۱۳۸۲، ج. ۲: ۱۳۸۳، ج. ۳: ۱۳۸۴، ج. ۴: ۱۳۸۵، ج. ۵: ۱۳۸۶، ناشر انتشارات سورہ مهر.
ج. ۶: ۱۳۸۷، ناشر انتشارات هنرهای اندیشه، ج. ۷: ۱۳۸۹، ج. ۸ و ۹: ۱۳۹۰، ناشر مؤسسه چاپ و نشر عروج.
کتابنامه: ج. ۲۸۹ = ۲۸۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
مصدر جلد: ج. ۱: دوران رضاخان، ج. ۲: از تبعید رضاخان تا ترور رزم آرا، ج. ۳: از رزم آرا تا شروع مبارزات امام خمینی.
ج. ۴: از قیام ۱۵ خرداد تا تبعید امام خمینی، ج. ۵: از تبعید امام خمینی تا جشنهای ۲۵۰۰ ساله، ج. ۶: بعد از جشنهای ۲۵۰۰ ساله تا سقوط هویدا، ج. ۷: از ارتحال حاج آقا مصطفی خمینی تا انفجار نور در قم، ج. ۸: استراژی حضرت امام خمینی برای سرنگونی شاه و پایداری در تهران تا فاجعه ۱۷ شهریور، ج. ۹: از تبعید امام خمینی به پاریس تا بی اثر شدن تهدیدات شاه.
عنوان دیگر: تجزیه و تحلیل رخدادهای دوران پهلوی.
موضوع: رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۳۵۷ - ۱۳۲۳ / محمدرضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۹ / ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷ - ۱۳۲۳.
شناسه افزوده: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، معاونت پژوهشی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
رده بندی کنگره: ۹۰۱ / ۱۲۷۶ DSK
رده بندی دیویی: ۵۵ / ۰۸۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۹۳۱ - ۸۳ م

کد / م ۲۷۷۹



مؤسسه چاپ و نشر عروج

۵۷ سال اسارت (ج. ۹)

نویسنده: علی محمد بشارتی

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۱۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فروردین، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۲۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: • خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: عوامل زوال در ذات رژیم شاه

- فساد در اوج بحران..... ۴
- بی‌نیاز به مشاوره..... ۶
- دیکتاتور از دید غرب و شرق..... ۶
- دیکتاتوری عارضی است یا ارثی؟..... ۷
- مشکل سلطه دلار سالاران..... ۸
- ساده لوحی زیاد..... ۱۱
- دمکراسی به سبک حزب دمکرات آمریکا..... ۱۵
- فاجعه ۱۵ خرداد..... ۱۷
- همه ویرانی‌های کشور از آمریکا..... ۱۹
- حاصل اصلاحات ارضی از یک نگاه..... ۲۰
- همه درباریان فاسد بودند..... ۲۴
- هویدا از منظر فرح..... ۲۵

- ۲۹ دو نمونه از وقاحت‌های هویدا
- ۳۱ هویدا عامل و مجری دستورات آمریکا و انگلیس
- ۳۲ هویدا جرثومهٔ فساد
- ۳۴ یک نکته بدیع قرآنی
- ۳۴ استراتژی قدرت‌های استکباری
- ۳۵ مأموریت بیگانه پرستان
- ۳۶ ۱- رضاخان مأمور به فساد
- ۳۷ ۲- فساد گسترده و گستاخانه محمدرضا
- ۳۹ محمدرضا فاسد و مفسد حامی محبت وزیر فاسد و مفسد
- ۴۲ گوشه‌ای از مفاسد شاه
- ۴۳ ۳- فرح پهلوی بی پروا و فاسد
- ۴۷ ۴- اشرف پهلوی فاسدترین زن
- ۴۸ ۵- ملک حسین فاسد و مفسد
- ۴۹ ۶- ملک حسن
- ۵۲ نظر امام خمینی راجع به رژیم سلطنتی
- ۵۴ انتقام انگلیس از روحانیت
- ۵۷ بخشی از کارنامه سیاه محمدرضا
- ۵۸ شرک در ذات رژیم شاهنشاهی
- ۵۸ خوشبختی ما ذلت آنهاست
- ۶۰ بیگانگان مشوق دربار در فساد
- ۶۷ کار فرح به کجا کشید؟
- ۷۰ علت ازدواج محمدرضا با فرح
- ۷۳ نقش سیا در شکل دهی شخصیت محمدرضا
- ۷۴ دو هتل بزرگ مزد جاسوسی

- ۷۵ رفتار تعجب برانگیز شاه
- ۷۸ فساد گسترده اقتصادی و مالی
- ۸۰ سوء استفاده‌های مالی محمدرضا
- ۸۱ مشتی سکه ناقابل
- ۸۲ خریدهای پرسود اسلحه
- ۸۴ فروش نفت برای پر کردن جیب شاه
- ۸۵ ولع سیری ناپذیر فرح
- ۸۶ تاراج ثروت مردم
- ۸۸ ۷ میلیارد دلار کمک به فرانسه و انگلستان و ایتالیا
- ۸۹ علت حمایت همه جانبه پیگانگان از محمدرضا
- ۹۱ رهنمودهای شاه برای حل مشکلات!!
- ۹۵ پاسخ شاه به سؤال هویدا!!
- ۹۵ بی‌کفایتی و بی‌عرضگی
- ۹۶ فقر شدید و ثروت عظیم
- ۹۷ ثروت بی‌حساب
- ۹۷ فقر شدید در کنار ثروت‌های بادآورده
- ۹۸ ثروت بادآورده صرف باد و هوا
- ۱۰۰ این قصه سر دراز دارد
- ۱۰۱ نگاهی گذرا به شاه و فرح و هویدا
- ۱۰۳ انسداد راه آشتی ملت با شاه
- ۱۰۵ شاه وابسته به غرب از قول خودش

فصل دوم: هجرت تاریخی و تاریخ‌ساز امام خمینی

- ۱۱۱..... استراتژی و تاکتیک
- ۱۱۲..... نقش ارتش در دیکتاتوری
- ۱۱۳..... ارتش و تاجعه ۱۷ شهریور
- ۱۱۵..... سرایت انقلاب به بدنه ارتش
- ۱۱۷..... ماجرای مهاجرت امام خمینی به پاریس
- ۱۱۹..... فعال شدن ساواک برای محدود کردن امام
- ۱۲۱..... همدلی صدام با شاه
- ۱۲۴..... اشتباه روی اشتباه
- ۱۲۶..... یک دنیا وقار و آرامش
- ۱۳۰..... شرح هجرت از عراق و ورود به فرانسه
- ۱۳۱..... الزام شرعی و عقلی
- ۱۳۲..... وظیفه ما، کمک به نهضت
- ۱۳۳..... تبلیغات دشمن برای ایجاد تفرقه
- ۱۳۴..... فرهنگ استعماری، مانع رشد استعدادها
- ۱۳۶..... رژیم پهلوی دست‌نشانده اجانب
- ۱۳۷..... اولین خروش امام در پاریس

فصل سوم: ارتباط پیوسته و گسترده تر امام با مردم

- ۱۳۹..... هر چه خدا خواست شد
- ۱۴۱..... سرگیجه شدید شاه
- ۱۴۴..... وعده پیروزی نهایی
- ۱۴۴..... اولین پیام بسیار مهم امام از پاریس

۱۵۱	کشور بعد از تبعید امام به پاریس
۱۵۶	عملکرد دولت آشتی ملی!!
۱۵۸	تجزیه و تحلیل حمله به مسجد کرمان
۱۵۹	ساده لوح مانند اربابا
۱۶۰	هیچ کس فریب شریف امامی را نخورد
۱۶۱	کارنامه زشت دولت آشتی ملی
۱۶۲	تضاد و تعارض
۱۶۳	ددمنشی های مستمر شاه
۱۶۴	تلخ ترین حادثه
۱۶۸	یک تدبیر هوشمندانه دیگر
۱۶۹	ژیسکاردستن شرمنده احسان شاه
۱۷۰	فرانسه متحد شاه
۱۷۳	فرانسه محتاج ایران!!
۱۷۴	مظلومیت مضاعف
۱۷۶	سراسیمگی شدید شاه و درباریان
۱۷۸	سقوط دولت شریف امامی

فصل چهارم: آقای شریعتمداری در آئینه اسناد

۱۸۵	سندی از ارتباط آیت الله شریعتمداری با شاه
۱۸۶	ملاقات شریعتمداری با شاه
۱۸۷	ماجرای و غیر قابل تأیید!!
۱۸۸	حمله به بیت شریعتمداری به دستور شریعتمداری!!
۱۸۹	خنده از ته دل شاه!!

۱۹۰	شریعتمداری هوادار رژیم سلطنت
۱۹۲	علت مخالفت ساواک
۱۹۳	سند سوم
۱۹۵	شریعتمداری محافظه کار
۱۹۶	ناهماهنگی های دائمی شریعتمداری
۱۹۸	ملاقات با شاه در اوج انقلاب!!
۲۰۰	سادگی
۲۰۲	ناهماهنگی های شریعتمداری
۲۰۲	تقاضای شریعتمداری از شاه
۲۰۳	تجزیه و تحلیل آقای شریعتمداری از حوادث ۱۷ دی
۲۰۴	دو محذور برای مبارزه با فساد!!
۲۰۵	یک تذکر به روحانیت
۲۰۷	مواضع صریح امام خمینی
۲۱۱	دو خاطره ارتشبد فردوست از آقای شریعتمداری
۲۱۳	خاطره حجت الاسلام موسوی فر (کاشانی)
۲۱۵	مواضع علما در مقابل دولت شریف امامی
۲۲۶	خاطرات آقای فلسفی
۲۳۳	ذلت در مذاکرات
۲۳۶	قیاحت شریعتمداری

فصل پنجم: زندانی به وسعت ایران

۲۴۲	سلطه اعراب به جای حاکمیت اسلام
۲۴۲	بی کفایتی زمامداران جدید

۲۴۳	سر انسان به جای خراج!
۲۴۴	ساخت اولین زندان توسط بنی امیه
۲۴۶	قیام برای گسستن بندهای اسارت
۲۴۹	زندانبانان جدید
۲۵۰	مبارزه برای شکستن حصار زندان
۲۵۰	سلسله صفاریان
۲۵۱	شروع دوباره عزت ایرانی ها
۲۵۲	گوشه‌ای از زندان هارون
۲۵۴	عملکرد پادشاهان
۲۵۴	سند اول
۲۵۵	سند دوم
۲۵۵	ضایعه عظیم
۲۵۶	زبیر حامی عثمان!
۲۵۷	حمله مغول
۲۵۸	این ملت زندانی‌اند
۲۵۹	در زندان‌های شاه چه می‌گذشت
۲۶۲	زندان‌های شاه
۲۶۳	تأسیس ساواک
۲۶۵	۱- تیمور بختیار که بود؟
۲۶۶	۲- رحیم علی خرم که بود؟
۲۶۹	اداره ساواک توسط بهائیت
۲۷۰	شکنجه در زندان‌های شاه
۲۷۴	پرده دوم نمایش

۲۷۵	بهداشت و درمان در زندان
۲۷۶	مورد دیگر
۲۷۷	۴- ستار مرادی که بود؟
۲۷۸	رو کم کی!
۲۷۹	۴- سر هک وزیری که بود؟
۲۸۲	۵- حسینی که بود؟
۲۸۳	۶- سرتیپ زندی پور که بود؟
۲۸۷	فهرست منابع

مقدمه

وقتی آیت‌الله مدرس در مجلس شورای ملی دوره دوم، اولتیماتم روسیه را رد کرد و با شجاعت و اعتقاد گفت: شاید مشیت خداوند بر این قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور از ما سلب شود، ولی سزاوار نیست که خودمان با امضاء خود آن را از دست داده و ترک کنیم... با نطق مدرس مجلس دارای شور و هیجان شد. بعضی از نمایندگان هم پس از مدرس در رد اولتیماتم سخن گفتند. سرانجام مجلس به اتفاق آراء اولتیماتم روسیه را رد کرد.

باید بگوییم که موضع‌گیری شهید مدرس مربوط به دوران سیاه قاجار و در عصر احمدشاه بود. در آن دوران قاجاریه ضعیف‌ترین سال‌های سلطنت خود را می‌گذراند. هرچند مدرس با رشادت تمام با سلطنت رضاخان و با استبداد رضاخانی هم جنگید تا سرانجام به خواف و کاشمر تبعید شد و در آنجا به شهادت رسید؛ اما موضع‌گیری‌های شجاعانه امام خمینی در رد کاپیتولاسیون

مربوط به آبانماه ۱۳۴۳ و در اوج قدرت شاه و سلطه سنگین آمریکا بود که کشور را تکان داد و شاه را تضعیف و آمریکا را مات و مبهوت کرد. سادگی زبان امام، جامعیت لطف و شجاعت بی نظیر از ویژگی‌های سخنان امام در آن نطق است. هرچند رژیم شاه پس از همان سخنرانی به تبعید امام پرداخت تا صدای امام به گوش مردم نرسد، امام مخالفان امام با هیچ تمهیدی نتوانستند صدای امام را خاموش کنند و یاد و نام امام را از دل‌ها بیرون نمایند و یا از محبوبیت امام بکاهند. حضرت امام در تبعید هم از تعقیب هدف خود لحظه‌ای تردید نکردند. به رغم این موضوع، چند گروه با طرح مسائل سیاسی جوهری توسط حضرت امام موافق نبودند. آنها را می‌توان در سه مجموعه قرار داد:

۱- محافل لائیک، توده‌ای‌ها، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و خلاصه همه سکولارها و بی‌خداها از اینکه طرح این سطح از مباحث سیاسی موجب پر رونق شدن محافل خداجویان و خداگویان می‌شود و سکولاریسم رنگ می‌بازد، ناراحت بودند. اسناد و مدارک موجود حکایت از آن دارند که این گروه برای رسیدن به اهداف شوم خود در کمرنگ کردن تفکر مبتدلی‌خدایی و تضعیف روحانیت دولت و دربار را یاری کردند. دیدیم که فرج به منظور کنترل کمونیست‌های وطنی و تضعیف بیشتر اسلام، چپ‌روی را پیشه کرد و دفتر و دور و بر خود را از چپ‌های مشهور پر کرد. فرج، پشتیبان مالی و سیاسی و فرهنگی چاپ و انتشار و توزیع کتاب‌ها و دیوان اشعار نویسندگان و شعرای چپ بود.

۲- جبهه ملی و نهضت آزادی: این دو حزب کم‌طرفدار و پرادعا هم دو گروه ضد روحانیت بودند که اصولاً روحانیت را قبول نداشتند. از جبهه ملی که بگذریم، نهضت آزادی عمیقاً نسبت به روحانیت بی‌تفاوت و حتی بی‌اعتنا بود. کتاب راه طی شده اثر مرحوم مهندس مهدی بازرگان به خوبی خط ضد حوزوی

نهضت آزادی را نشان می‌دهد. جالب است اشاره کنیم که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آنهمه تحول شگرف و بی‌سابقه که در ایران و منطقه از رهبری‌های امام خمینی به دست آمد این آقایان به خود نیامدند. حتی پا را از این هم فراتر گذاشتند. دکتر سنجابی دبیرکل جبهه ملی می‌نویسد:

«وقتی آقای خمینی اعلامیه‌هایی صادر کرده که نمایندگان (مجلس) استعفا بدهند آنها نظر مرا خواستند من به آنها گفتم که استعفا ندهید.»^۱ البته، نمایندگان تحت تأثیر انقلاب اسلامی از بردای آن روز شروع به استعفا کردند.

نهضت آزادی اگرچه مانند جبهه ملی ملت را رو در روی اسلام قرار نداد، اما با روحانیت مشکل داشت. این مشکل مهندس بازرگان تا آنجا بود که می‌گوید: «به نظرات خمینی از نظر حکومت اسلامی برادی داشته و گفته‌ام از نظر مذهب تا به حال مطرح نبوده است؟! از طرفی عقیده دارم که روحانیون نمی‌توانند حکومت کنند.»^۲

آیا آقای بازرگان نمی‌دانستند که وظیفه انبیاء و بزرگان اسلام حاکمیت توحید است و رسیدن به این هدف بدون حکومت مقدور نیست؟

۳- روحانی نماها: حرکت امام خمینی اسلامی بود. این حرکت عظیم تحولات عظیمی در جامعه ما ایجاد کرد و اسلام و حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه را به جایگاه رفیع و حقیقی خود بازگرداند و اعتبار آنها را بسیار بالا برد. هیچ‌کس توقع نداشت که همه روحانیت در یک صف قرار بگیرند و از امام خمینی حمایت کنند. آنچنان که در دوران دشوار مبارزه دیدیم که علما همگی از امام حمایت نکردند؛ اما توقع نداشتیم که با هماهنگی با دولت و دربار ضد انقلاب

۱. امیدها و ناامیدی‌ها، کریم سنجابی، ص ۳۱۵.

۲. یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه، ص ۸۷۵.

شوند. این گروه خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف - وعاظ السلاطین: در طول مبارزه مردم کشور از تملق‌های بی‌حساب بعضی از مقامات لشکری و کشوری نسبت به شاه ناراحت بودند. نمایندگان بی‌شخصیت، وزرای بی‌ریشه، ارتشی‌های لابی‌بالی... اما می‌گفتیم آنها ذلیل و بی‌قیمت هستند که خود را در برابر انسان محجور و ضعیفی مانند شاه تا آن اندازه کوچک می‌کنند اما توقع نبود گهگاه در آن صف نا زیبا از روحانیت هم حضور یابند و برای سلامتی شاه دعا کنند و آبروی روحانیت شیعه را ببرند. امام درباره آنها فرمودند:

«آنها که عمامه بر سر گذاشته و چهار کلمه هم اینجا یا جای دیگر خوانده یا نخوانده برای شکم و بسط ریاست به این دستگاه پیوسته‌اند، با اینها چه کنیم؟ اینها از فقهای اسلام نیستند و بسیاری از اینها را سازمان امنیت معمم کرده تا دعا کنند... تا جلّ جلاله بگویند. اینها فقها نیستند شناخته شده‌اند. مردم اینها را می‌شناسند. در این روایات است که از این اشخاص بر دین بترسید. اینها دین شما را از بین می‌برند. اینها را باید رسوا کرد تا اگر آبرو دارند در بین مردم رسوا شوند. ساقط شوند. اگر اینها در اجتماع ساقط نشوند امام زمان را ساقط می‌کنند. اسلام را ساقط می‌کنند.»^۱

ب - عمامه بسرهای حسود: گروهی از روحانیون سطحی‌نگر و بسیط، شاید با اصل حکومت اسلامی هم نظر مخالف نداشتند اما میل نداشتند رهبر مبارزه امام خمینی باشند. حسادت، بیماری مهلکی است که اگر معالجه نشود دارنده آن را به هلاکت می‌کشاند. آقای شریعتمداری یکی از آنهاست. «آقای شریعتمداری با داشتن دو خصلت محافظه‌کاری افراطی و قدرت‌طلبی هیچ‌گاه در حوزه علمیه قم

مقبولیت نیافت. فضلا و طلاب همواره به او به دیده شک و تردید می‌نگریستند.^۱

حضرت امام در نجف هم با علمای مشکل‌دار روبرو بودند. ولی به دلایل مختلف مصلحت ندیدند که با آنها درگیر شوند. معظم‌له در مورد نجف و بعضی از علمای نجف فرمودند:

«در خصوص نجف یک روایتی هست که در سایر جاها نیست. این از مختصات نجف است. حوزه، حوزه قدیمی هزار ساله است. دیگر حوزه‌ها، حوزه‌های جدید هستند. حوزه در جوار حضرت امیر واقع شده، دیگران در جوار حضرت امیر نیستند. خوب، ما باید یک قدری مطالعه کنیم در وضع زندگی این مرد بزرگ. ما ادعا می‌کنیم شیعه هستیم؟ شیعه‌ای؟! خوب آن زهد دارد من که ندارم. باز شیعه‌ام؟! او تقوا دارد ما نداریم، باز شیعه هستیم؟! او وضع زندگی‌اش چطور است، ما نداریم، باز هم شیعه هستیم؟! شیعه هستی. آخر شیعه باید یک مشایعتی از او کرده باشد، یک تبعیتی از او کرده باشد تا شیعه باشد.»^۲

ج- علمای ساکت: دسته سوم، علما و روحانیونی بودند که به علل گوناگون از مبارزه دوری کردند. آنها نیز خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که از آغاز در مبارزه بودند و مبارزه می‌کردند، ولی بین راه مبارزه را رها کردند. دسته دوم آنهایی که تا مقادیر متناهی از راه مبارزه را طی کردند و حتی به زندان هم افتادند ولی راه را تا آخر نیامدند. دسته سوم آنهایی که اهل مبارزه نبودند و هرگز بامبارزان همکاری نکردند.

نویسنده به دلیل آنکه سالیان دراز با علما و روحانیون حشر و نشر داشته و

۱. همان، ص ۷۳۵.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۱.

دارد شاخص همه این تقسیم‌بندی را می‌تواند معرفی کند. به سهولت می‌توان علت العلل انگیزه‌های گروه‌های فوق را دید و نوشت. فی‌المثل گروهی که اصلاً اهل مبارزه نبودند، این گروه را می‌توانیم به چند دسته تقسیم کنیم:

۱- دسته‌ای که اسلام را بسیار ساده و بسیط می‌پنداشتند و اسلام را در نماز جماعت و مسائل مربوط به روزه و نکاح و مسائل مشابه می‌دانستند. چنین افرادی به چه دلیل برای چه چیز مبارزه کنند؟

۲- دسته‌ای که از ترس، اهل مبارزه نبودند. آنها به شدت از پلیس رژیم می‌ترسیدند. هم آنها وقتی که خبر بازداشت بعضی از روحانیون و شکنجه‌شدن آنها را می‌شنیدند به جای رژیم، روحانی را سرزنش می‌کردند! یعنی می‌گفتند چرا باید به خاطر هیچ! افراد به زندان بیفتند و شکنجه شوند.

۳- دسته‌ای که مبارزه و مبارزان را تا حدی دوست داشتند و تا حدی دعاگوی مبارزان هم بودند، ولی به دلیل وابستگی به خانواده و حیثاً محراب و مسجد و منبر نمی‌خواستند با مبارزه، موقعیت خود را از دست بدهند.

امام خمینی همین دسته‌ها و افراد را همواره مورد خطاب قرار داده و می‌گفتند:

«این که در روایات ما هست که اهل جهنم متأذی می‌شوند از بوی عالمی که به علمش عمل نکند، این برای چیست که عالم وضعش اینطور است؟ این برای این است که فرق است مابین عالم و غیر عالم از جهاتی فرق است. عالم اگر خدای نخواسته منحرف شد یک امت را ممکن است منحرف بکند...»^۱

حضرت امام در جای دیگری می‌گویند:

«ما وظیفه نداریم؟ آقا این قرآن، این قرآن کریم پیش ما امانت است. ما وظیفه

نداریم حفظ این قرآن کریم را بکنیم؟^۱

امام خمینی که در ادب و تواضع شهره بودند، بخصوص تواضع ایشان نسبت به علما و مراجع زبانزد خاص و عام است؛ اما وقتی پای مصالح اسلام در میان می آمد وظیفه خود را در تقبیح سکوت بعضی از علما و بی تفاوتی بعضی از مراجع می دانستند. راستی اسلام که یک حقیقت بیش نیست، بنابراین یا قرائت امام خمینی از اسلام درست است که به وسیله آن کشوری را از یوغ استعمار آزاد کردند و مردم ایران را بر سرخوشی خود مسلط ساختند، هزاران مراکز فساد را بستند و میلیون ها جوان غیر معهود را با اسلام آشتی دادند و به محرومیت علمی و اقتصادی و فرهنگی پایان دادند و به عزت رساندند... علاوه بر آن، روشنایی این اندیشه ها، جان و روح میلیون ها مسلمان و غیر مسلمان را تابناک ساخت و آنها را به شکلی از قید و بند ستم آزاد کرد؛ با قرائت گروهی دیگر که روزمرگی را سبرلوحه خود قرار دادند و هرگز کاری که خواب ستمگران را آشفته کند مرتکب نشدند تا مردم در درد و رنج و محرومیت دست و پا بزنند.

سنگین نمی شد این همه خواب ستمگران

می شد گر از شکستن دل ها صدا بلند

پیگیری برنامه ها از تبعید

امام خمینی را در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید کردند. امام را به مدت یک سال در یک شهر دور افتاده ای در شمال ترکیه به نام (بورسا) دور از چشم مردم فرستادند. رژیم شاه که شدیداً از ناحیه حضرت امام تحقیر شده بود به خاطر موقعیت منحصر به فرد حضرت امام می ترسید اقدام تندی علیه ایشان انجام دهد ولی بر خلاف قانون اساسی به تبعید ایشان پرداخت. تصور شاه و

هواداران داخلی و خارجی شاه این بود که با تبعید امام به تدریج مردم، ایشان را فراموش می‌کنند و زمینه برای اجرای برنامه‌های ضد مردمی آمریکا در ایران فراهم می‌شود. پس از تبعید امام و در آغاز شرایط بر وفق مراد شاه پیش رفت چون سایه سنگین سکوت بر حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها حاکم شد. سانسور هم به جان مطبوعات افتاد. ساواک فعال شد و در همه جا به کنترل فعالان سیاسی پرداخت. تدریج که مردم از رهبر و رهبر از مردم دور ماندند شب‌پرستان مردم گریز بر اوضاع مسلط‌تر شدند. بیشترین برنامه‌های ضد مردمی و ضد ملی درست در سال‌هایی که امام در تبعید بودند، در کشور به اجرا درآمد.

دولت ترکیه که هم‌زمان استاتژیک شاه بود، به کنترل شدید امام در تبعید دست زد. اما امام را هیچ‌کس نمی‌توانست به بند بکشد. به قول شاعر:

دل در جنون عشق تو عاقل نمی‌شود / یک لحظه از خیال تو غافل نمی‌شود
 بر چرخ اگر برند چو عیسی ترا ز خاک / افلاک بین من و تو حایل نمی‌شوند
 یوسف به رغم خویش به زندان چه می‌برند / یار از نهان ز دیده شد از دل نمی‌شود

دولت ترکیه اجازه نمی‌داد امام خمینی از اقامت‌گاه خود خارج شوند و به بازدید از شهر بپردازند. ترک‌ها برای اینکه امام را نگذارند از محل اقامت خود خارج گردند گفته بودند اگر میل دارید به بازدید از آثار تاریخی شهر بپردازید باید بدون عبا و عمامه باشید. امام که نمی‌خواستند نقشه‌های شاه و هم‌پیمانان شاه در انزوای امام عملی شود، بدون تشریفات و بدون لباس روحانی به بازدید از مناطق دیدنی شهر بورسا پرداختند. مردمی که در مسیر ایشان قرار گرفته بودند، اغلب امام را می‌شناختند و موضوع تبعید ایشان زبانزد خاص و عام می‌شد. عکس‌هایی که در اسناد از حضور ایشان در یک منطقه تاریخی ترکیه و بدون عبا و عمامه در دست است راجع به همین سیاست است. ظاهراً امام بیش از دوبار از اقامتگاه خود بیرون آمدند و به بهانه بازدید از مناطق باستانی بورسا

خود را در منظر مردم قرار دادند. لطافت این حرکت امام را نمی‌توان با این قلم به تصویر کشید.

تبعید به نجف

پس از یکسال که از تبعید امام به ترکیه می‌گذشت شاه محل اقامت ایشان را تعویض کرد و معظم له را در ۱۳ مهر ماه سال ۱۳۴۴ به نجف فرستاد. نجف تفاوت زیادی با ترکیه داشت. شهر نجف می‌توانست فرصت لازم را برای امام ایجاد کند. یعنی امام به تدوین برنامه‌های خود در سرنگونی شاه و تشکیل حکومت اسلامی بپردازند. علاوه بر آن حوزه علمیه نجف می‌توانست محل تضارب افکار و اندیشه‌ها باشد. اما خیریت چندین ساله نجف که حاصل دیکتاتوری‌های رژیم‌های حاکم بر عراق بود شهر نجف و حوزه با سابقه نجف را به حال نیمه تعطیل درآورده بود. این البته برای نجف یک فاجعه بود. ولی ورود امام به نجف هم از الطاف خفیه الهی بود. شاه و هواداران شاه می‌پنداشتند که حضور امام در نجف با تفکر ضعیف و سخیف جدایی دین از سیاست که با روح و جان بسیاری از علما و طلاب نجف عجین شده بود می‌توانست برای امام یک دردسر بسیار بزرگ باشد. بنابراین امام نه تنها با آن فرهنگ نمی‌توانستند کنار بیاند بلکه تفکر حاکم بر نجف امام را بیش از پیش در تنگنا قرار می‌داد. دوری از ایران و عدم حمایت مالی و عدم پرداخت شهریه و نبود طلاب جوان و پرشور و حامی تفکر امام که در حوزه علمیه قم به وفور وجود داشتند از مشکلات حوزه علمیه نجف بود. خلاصه عدم ارتباط مراجع و علمای نجف با یکدیگر که به صورت عادت ثانویه آنها در آمده بود چیزی نبود که ذهن امام را به خود مشغول نکند... اما قرآن می‌فرماید: «وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ». آنچه خدا خواست محقق می‌شود نه آنچه مردم می‌خواهند.»

مبارزه علیه سکوت

امام که دل به خدا سپرده بودند وارد نجف شدند. پس از دیدارهای اولیه با بزرگان نجف و شرح مختصری از علل تبعید ایشان، بتدریج درس خارج خود را در مسجد شیخ انصاری آغاز نمودند. بزودی جمع بسیاری در درس ایشان حضور به هم رساندند. حاضران در درس ایشان سه گروه بودند:

گروه اول: آنهایی که می‌خواستند از زلال فقه جعفری بهره‌مند شوند و جان و روح خود را در سرچشمه پاک و مطهر فقه، پاک و مطهر کنند.

گروه دوم: آن دسته از طلابی که از دور آوازه شخصیت امام را شنیده بودند، آن روزها در درس ایشان حضور می‌یافتند تا از نزدیک معظم‌له را زیارت کنند.

گروه سوم: کسانی که خود از علما و احياناً مدرسان حوزه نجف بودند. تبلیغات سوء و زشت دشمنان اسلام، علماء قم و حوزه‌های علمیه ایران را کم سواد و غیر عمیق معرفی کرده بود. آنها استدلال می‌کردند که چون علمای ایران سیاسی هستند، مسائل سیاسی فرصت زیادی برای پرداختن به فقه و اصول را برای آنها نگذاشته است. آنها آمده بودند تا ببینند سطح دانش امام در فقه تا چه پایه است و شایعات راجع به کم‌سوادی علمای ایران تا چه اندازه به حقیقت نزدیک است.

با فضل و مرحمت الهی و اخلاص و صداقت امام به زودی امام، مرجع و ملاذ بسیاری از طلاب و محصلین حوزه نجف قرار گرفتند و درس ایشان یکی از پر رونق‌ترین و شلوغ‌ترین و قابل استفاده‌ترین درس حوزه نجف شد. تدریجاً که حضرت امام در حوزه نجف نفوذ کردند متوجه شدند که دوری از سیاست در تار و پود حوزه نجف نفوذ کرده بود. گفتنی است که حاکمیت طولانی و ظالمانه حزب بعث بر عراق و مخالفت آشکار آن حزب با اسلام، نجف را تا حدی از نفس انداخته بود. امام در نجف پرچم مبارزه علیه کفر و شرک و نفاق حاکم بر عالم را بدست

گرفتند و به پیش رانند. مبارزه با جمود حوزه نجف، هدف دوم امام قرار گرفت. امام در این جبهه نیز پیشروی زیادی داشتند. حضرت امام اینگونه آغاز کردند:

«البته در اذهان بسیاری بلکه اکثری بیشتری از مردم، بیشتری از اهل علم، بیشتری از مقدسین این است که اسلام به سیاست چکار دارد، اسلام و سیاست اصلاً جد است... این اجانب در اذهان ما و حکومت‌ها در اذهان ما ... آخوند چکار دارد به سیاست. فلان آخوند را وقتی عیش را می‌گیرند می‌گویند: آخوند سیاسی است! اسلام را می‌گویند از سیاست کنار است... اینها اسلام را نشناخته‌اند. اسلامی که حکومتش تشکیل شد در زمان رسول‌الله و باقی ماند حکومت...»^۱

این در حالی بود که امام سکوت نجف را سخت مورد شماتت و ملامت قرار دادند: «خدا می‌داند که من برای حوزه‌ها متأسفم. من برای حوزه نجف متأسفم. آقا، حیثیتش را دارد از دست می‌دهد. حوزه نجف حیثیتش را پیش مسلمین دارد از دست می‌دهد. من متأسفم برای این. اشخاص [مهم] نیستند. من برای حوزه [نجف] متأسف هستم. یک حوزه هزار ساله و هزار و چند صد ساله، دارد حیثیتش را از دست می‌دهد. شما ملاحظه کنید در تمام این صحیفه‌هایی که در ایران هست از اول تا آخر بروید مطالعه کنید. تمام اعلامیه‌هایشان را مطالعه کنید. اعلامیه چه جناح متدین، چه جناح روشنفکر، چه جناح اهل علم، بروید مطالعه کنید. اسمی از نجف دیگر نیست. نجف منسی است. به داد این نجف بروید شما آقایان...»^۲ نجف بتدریج تغییر موضع داد. علمای برجسته نجف یا به احترام حضرت امام مواضع امام را تأیید کردند و یا بنا به ملاحظات چند مصلحت را در

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۳۹۳-۳۹۴.

سکوت دیدند و اعتراضی به امام نداشتند. اگر نگاهی کارشناسانه و دقیق به اولین نطق امام پس از ورود به نجف در شهریور ۱۳۴۶ بیاندازیم از فشار فوق‌العاده‌ای که بر روی ایشان بوده است می‌توانیم تا حدی پی ببریم. نطق مزبور بعد از یکسال از ورود حضرت امام به نجف ایراد شده است. مع‌الاسف در مورد تاریخ این سخنرانی مهم اختلاف وجود دارد. آقای حمید روحانی معتقد است که اولین نطق در روز یکشنبه ۴۴/۸/۲۴ روی داده است.^۱ صحیفه امام تاریخ سخنرانی را بین ۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶ عنوان کرده است.^۲ به نظر نویسنده روی قرائن و شواهد می‌توان تاریخ ایراد نطق را یکسال پس از اقامت امام در نجف پذیرفت. اگر ورود امام به عراق را روز سه‌شنبه ۲۷ مهر ماه ۱۳۴۴ قبول کنیم، که چنین است چگونه می‌توان پذیرفت که امام چهل روز پس از اقامت در نجف سخنرانی کنند. تیزی‌نی و درایت امام می‌طلبید که ایشان نخست ارزیابی دقیقی از حوزه نجف داشته باشند و ضمن دیدار با مراجع نجف و مؤثرین حوزه نجف، فعالیت‌های خود را آغاز کنند. هرچه بود امام که ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید شده بودند درست بعد از یازده ماه توقف در ترکیه در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۴ وارد عراق شدند و همانگونه که گفتیم علیه سکوت طولانی نجف پیا خاستند. تلاش‌های مؤثر و فراگیر امام در نجف سکوت حوزه را شکست و طلاب نجف بخصوص جوان‌ترها سیاسی شدند... همین تلاش‌های اثرگذار موجب وحشت شاه و حزب بعث عراق گردید. تماس‌ها و تذکرات هم مفید فایده واقع نشد. سرانجام با تبانی شاه و حزب بعث عراق و حمایت آمریکا و انگلیس امام را مجبور به ترک عراق کردند. باز هم استکبار و ایادی استکبار

۱. نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۱.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۴.

مرتکب اشتباه دیگری شدند. اجبار امام به ترک عراق و ورود امام به پاریس تیری جانکاه بر سینه شاه و رژیم شاهنشاهی شد. زیرا امام با حضور در فرانسه و ارتباط گسترده تر با مردم ایران و تماس دائمی با رسانه ها ضمن شرح جنایات شاه و دودمان پهلوی ضرورت سقوط شاه و تشکیل حکومت اسلامی را مطرح کردند. به طور قطع تبعید امام به پاریس شمارش معکوس سقوط رژیم شاهنشاهی را سرعت بخشید.

نباید هیچ گاه از نظر دور داشت که دست های توانمند الهی همواره از امام و از راه امام پشتیبانی می کرد. دقت در تاریخچه انقلاب اسلامی و وجود عقبه های خطیر و خطرناک در مسیر انقلاب و عبور پیروزمندانه از همه عقبات فقط با نصرت الهی میسر است و بس.

خطب دشمن

دشمن که می خواست با تبعید امام به حوزه نجف ایشان را منزوی کند پس از چندی پی به خطب خود برد. دشمن مشاهده کرد به جای آنکه امام در حوزه نجف گمنام بماند و منزلش کم رونق شود بر عکس این دشمنان امام بودند که در نجف منزوی شدند. همچنین به جای آنکه امام تحت تاثیر سوء ضد سیاست نجف قرار بگیرند بالعکس حوزه علمیه نجف با حضور امام با سیاست آشتی کرد و راه مبارزه با طاغوت را پیش گرفت. هرچند که حرکت نجف از سرعت قابل قبول برخوردار نبود اما موجب امیدواری بود...

تحولات عمیق و عظیم در حوزه نجف

حاصل حضور چهارده ساله امام در نجف کار خود را کرد. نجف نخست و به تدریج و پس از چندی با سرعت قابل قبول راه درست تر را انتخاب کرد. حضور امام در نجف به عنوان حضور اسلام ناب تلقی می شد. نجف تجدید حیات

فکری کرد. این تحول هرچند با زحمت بسیار حضرت امام و درد و رنج و عسرت فراوان همراه بود اما همین مشکلات را که دلیل درستی راه بود، کار خود را کرد و نجف متحول شد...

به راضی اگر در تحولات عراق پس از صدام، نجف تأثیرگذار شده است و این اثرگذاری بعضاً تعیین کننده و فوق‌العاده اساسی بوده است به برکت حضور امام در نجف بوده و هست.

تحولات عظیم در خاورمیانه، در لبنان و فلسطین و ترکیه و خارج از خاورمیانه در آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا ... و قدرت یافتن مردم مستقل جهان و مشکلات عدیده و بی‌سابقه استکبار جهانی خاصه آمریکا و رژیم صهیونیستی همه و همه ناشی از بیداری حاصل از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی است.

اندر موضوعات جلد نهم

با لطف و خواست و حمایت پروردگار سبحان جلد نهم ۵۷ سال اسارت در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. محتوای این جلد به حوادث بسیار مهم و اثرگذار هجرت امام خمینی به پاریس و سرعت گرفتن رویدادهای کشور تخصیص یافته است. اجبار امام به ترک عراق و استقرار ایشان در فرانسه یکی دیگر از اوراق عجیب و جالب و قابل توجه انقلاب اسلامی است. بار هم دشمن به دلیل عدم بهره‌مندی از عقل سلیم و عدم شناخت از قدرت ایمان و خلاصه به دلیل مردم گریزی ممتد، دچار اشتباه شد. زیرا با حضور امام در پاریس و به رغم عدم علاقه دولتمردان فرانسه به فعالیت سیاسی حضرت امام، معظم‌له از شرایط مناسب فرانسه حداکثر استفاده را کردند و با مصاحبه‌ها و اظهار نظرها و سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های خود ستون فقرات رژیم شاهنشاهی را منهدم کرده و پیروزی انقلاب را به جلو انداختند. طبق معمول هیچ‌کس در این رویدادها ذی

سهم نبود. از یک طرف دولت فرانسه به دلیل حمایت سستی از شاه در آغاز مانع فعالیت‌های سیاسی امام شد و حتی تا اخراج امام از پاریس پیش رفت. کیهان در آن روزها نوشت:

«دولت فرانسه از طریق وزارت کشور به حضرت آیت‌الله العظمی خمینی اطلاع داده که حق فعالیت سیاسی را ندارد و احتمالاً ایشان فرانسه را ترک خواهند کرد.»^۱

امام خمینی در پاسخ فرستاده رئیس‌جمهور فرانسه که از ایشان خواسته بودند از فعالیت سیاسی خودداری کنند، فرمودند: نمی‌تواند ساکت بماند و اگر لازم باشد شروع به سفر کرده و از این فرودگاه به آن فرودگاه خواهند رفت تا خواست‌های خود را اعلام کنند.^۲

لطف حق

گفتیم که دولت فرانسه هم به دلیل هم پیمانی با شاه و هم خصلت استکباری خود در آغاز مانع فعالیت‌های امام بود. از طرف دیگر مرتب و مدام از طرف کاخ سفید تحریک می‌شد تا امام را بیشتر زیر فشار قرار دهد تا علیه شاه موضع‌گیری نکنند. دیگر کشورهای غربی هم کم و بیش مانند دولت فرانسه به انقلاب و امام می‌نگریستند؛ شاه و هواداران داخلی وی نیز بر روی پا بند بودند تا امام را بیشتر به بند بکشند... اما قدرت و لطف خدا را ببینید:

«ارتشبد قره‌باغی وزیر کشور دولت ازهاری از سفیر فرانسه در تهران آقای «راول ووله» گله کرد که چرا دولت فرانسه به آقای خمینی اجازه داده با آزادی کامل علیه دولت ایران تحریکات نماید؟ سفیر اعلام آمادگی کرد که به هیچ وجه

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۷/۱۸

۲. همان.

نمی‌خواهد بر خلاف میل دولت ایران عملی انجام بشود و آماده است برابر نظر اعلیحضرت و دولت ایران عمل نماید. من منتظر هستم که شما نظر دولت ایران را به من اعلام نمایید مطمئن باشید که بلافاصله عمل خواهد شد. قره‌باغی بلافاصله نتیجه ملاقات با سفیر را به عرض شاه رساند. شاه گفت: «دولت فرانسه نظر ما را خواست، موافقت کردیم که به وی (امام خمینی) اجازه اقامت در فرانسه داده شود.» وقتی قره‌باغی اظهار تعجب کرد، شاه گفت: «باید صبر کرد تا ببینیم چطور می‌شود.»^۱

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

شرح بیشتر غافلگیر شدن شاه و آمریکا و انگلیس و فرانسه و دیگر دولت‌های استکباری از حضور امام در پاریس در متن همین کتاب آمده است... باید گفت استعمارگران و حاکمان وابسته به آنها به دلیل بی‌خدایی و دوری از مردم و مخالفت مستمر با خواست‌های مردمی همیشه در برابر خواست و اقدامات مردم غافلگیر می‌شوند. انقلاب اسلامی و پیروزی فوق‌العاده آن و استقرار نظام جمهوری اسلامی همه قدرت‌های جهانی را به سرگیجه مبتلا کرد. این سراسیمگی و درماندگی اقدام‌های نسنجیده و اظهارات متضاد و خام آنها حاصل ضربه سخت و سنگینی است که از انقلاب اسلامی و از امام و از مواضع مستحکم و انعطاف‌ناپذیر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی خورده و می‌خورند. این ضربات کاری تا از پای درآید استکبار ادامه خواهد یافت. این یک حقیقت است که بیداری حاصل از پیروزی انقلاب اسلامی غرب استعمارگر را دچار بحران فراوان کرده است اما دشمن شبانه روز به دنبال جبران است.

ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم

شرط لازم شکست دشمن شناخت استراتژیک دشمن است. تا اطلاع از نقشه‌های دشمن پیدا نکنیم امکان غلبه بر دشمن نیست. دشمن شبانه روز برای شکست ما مشغول تدوین نقشه و تکمیل نقشه است. دشمن به اشکال مختلف و با روش‌های خود به جاسوسی از کشورمان مشغول است. دشمن علاوه بر استفاده از ابزار جاسوسی مدرن و عوامل نفوذی، اطلاعات تکمیلی خود را از رسانه‌های ما مانند مطبوعات و رادیو تلویزیون ما و شخصیت‌های ما به دست می‌آورد. هر چند امروز مقامات کشورمان به نوعی به بلوغ سیاسی رسیده‌اند تا در صحبت‌های خود مسائل استراتژیک کشور را افشا نکنند اما مع‌الاسف باز هم بعضاً مشاهده می‌شود که عده‌ای هنوز هم ساده‌لوحی می‌کنند. دشمن به طور دائم در صدد تصحیح و تکمیل نقشه‌های تهاجمی خود است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«این، آن چیزی نیست که مثلاً از صد سال قبل بوده است، بلکه از صد سال قبل هم تهاجم فرهنگی علیه اسلام بود اما وقتی که انسان با یک دشمن خواب‌آلود رو به روست آرایش نظامی یک نوع است، وقتی با یک دشمن بیدار رو به روست آرایش نظامی نوع دیگر می‌شود. آن روز عالم اسلام خواب‌آلوده بلکه تخدیر شده و مست بود. اصلاً گاهی دشمن به او ضربه‌ای می‌زد. اما الان اسلام بیدار است. دشمن دنیای غرب، امروز بیدار است. مثل قهرمانی در میدان است، یک خاطره تمام نشدنی از شخصیتی مثل امام را با خودش دارد. این همه ذخیره انقلاب دارد. این همه جوان خوب دارد. اینها شوخی نیست. امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن رُست و آرایش نظامی صدسال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی‌گیرد. ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم. اگر نشناختیم و خوابیدیم

از بین رفته‌ایم. امیرالمومنین می‌فرمایند:

«إِنَّ أَخَالَحَرْبِ الْأَرْقُ وَ مَنْ لَمْ يُسَمِّ عَنْهُ»^۱

مرد جنگ باید بیدار باشد اگر تو خوابیدی لازمه‌اش این نیست که حتماً دشمن تو در سنگر مقابل خوابیده است او ممکن است بیدار باشد.^۲

آری، به هنگام رویارویی با دشمن پرخشم و مکر، بیداری و هشیاری مانند نفس جنگ تعیین‌کننده است. آنکس که در وقت کارزار بیدار نباشد بداند که دشمن بیدار و مراقب اوست تا با غفلت او ضربه کاری را وارد آورد. یادمان هست که «گاسبر وایبرگر» وزیر دفاع پیشین امریکا با صراحت گفت باید ریشه مردم ایران را خشکانید. بیداری مردم، موجب خشک شدن ریشه وزیر دفاع سابق امریکا و همفکران وی می‌شود. انقلاب عظیمی که امروز در کشورهای اسلامی شاهد آنیم؛ بیداری مسلمانان را نشان می‌دهد. ویرا:

اولاً: ریشه در اسلام و انقلاب اسلامی دارد. مردم به طور جد خواستار حاکمیت اسلام هستند.

ثانیاً: طلایه شکوهمند خاور میانه جدید است که در آن از سلطه استکبار و حاکمیت وابستگان به استکبار اثری نباشد. ان شاء الله.

تهران: علی محمد بشارتی

۹۰/۶/۱۵

۱. نهج البلاغه نامه ۶۲.

۲. خطاطرات و حکایت‌ها از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی، ج ۶، ص ۸۷.